

# کتاب آدم‌های غایب

تقی مدرسی



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس: ۱۳۵۲

## در جست‌وجوی «آدم‌های غایب»\*

اتاق کار بدون پنجره دکتر تقی مدرسی گرم و گرفته است. روی دیوار تصویر سیاه و سفید مادر و فرزند سیاه‌پوست به چشم می‌خورد. دکتر مدرسی می‌گوید: «این عکس را ادوارا ولتی<sup>۱</sup> در دوران بحران اقتصادی برداشته است، در سال ۱۹۳۳، سال تولد من. مال زخم بود و من از او خواستم که آن را به من بدهد و او هم داد.»

زن دکتر تقی مدرسی، آن تایلر<sup>۲</sup> یکی از رمان‌نویسان مشهور آمریکایی است: ده رمان منتشر کرده است. این گفت‌وگو با مدرسی زمانی صورت می‌گیرد که اولین رمان او «کتاب آدم‌های غایب» به زبان انگلیسی در آمریکا منتشر شده است.

دکتر تقی مدرسی ۵۳ سال دارد. رییس بخش روانپزشکی کودکان در دانشکده پزشکی دانشگاه مری‌لند است. در ۲۵ سالگی در حالی که درس پزشکی می‌خواند و رمان اولش با استقبال روبه‌رو شده بود، در

---

1. Edura Welty

2. Ann Tyler

مملکت خودش احساس غریبگی می‌کرد. زمانی که دربارهٔ کودکان یک قبیلهٔ عشایری تحقیقات پزشکی انجام می‌داد، مورد سوءظن مأموران امنیتی قرار گرفت و او را برای پاسخ دادن به یک سلسله پرسش‌ها بازداشت کردند.

می‌گوید: آمریکا «به نظر من سرزمینی آن‌چنان دور و دست‌نیافتنی بود که خیال هم نمی‌کردم روزی به آنجا برسم.» به ویجتای کانزاس رفت. برادرش که او هم دکتر است، آنجا زندگی می‌کرد. «من فکر می‌کردم که اینجا دیگر ناف آمریکاست. درست وسط همه چیز.»

پس از یک سال و نیم، دورهٔ تخصصی را در رشتهٔ روانپزشکی کودکان در دانشگاه دوک آغاز کرد و همان‌جا بود که با زبان‌شناس و نویسندهٔ سیاه‌گیسویی به نام آن‌تایلر آشنا شد. این زوج جوان، زمان کوتاهی پس از ازدواجشان در سال ۱۹۶۳ به تهران سفر کردند تا با خانوادهٔ مدرسی دیدار کنند. «توی هواپیما شروع کرد به فارسی حرف زدن. هیچ نمی‌دانستم که دارد فارسی یاد می‌گیرد. این راز را پیش خودش نگه‌داشته بود.»

او احترام عمیقی نسبت به زنش دارد. وجود هرگونه رقابتی را بین خودشان رد می‌کند و می‌گوید: «من او را یک نویسندهٔ حقیقی می‌دانم. او با تمام وجودش نویسنده است. یک نویسندهٔ حقیقی که آن‌قدر کارش خوب است که حتی اگر سعی کند بد بنویسد، نمی‌تواند.»

از نگرانی‌هایش حرف می‌زند. «من جرأت نوشتن به زبان انگلیسی را نداشتم. من که هستم و چه می‌خواهم بگویم؟» هنوز هم جمله‌های شیرینی که ادا می‌کند اصالت تکلم کسی را دارد که هرگز نمی‌تواند مثل یک بومی حرف بزند.

«وقتی که ایرانی‌ها به این کشور آمدند، تازه من به خود آمدم. بنا کردم